

بایدها و نبایدها در «دوستی» با تکیه بر آثار سعدی شیرازی

نصور مریدی^۱

چکیده

ادبیات ما سرشار از نکات فراوانی است که تعلیم و تربیت را برای مخاطبان به همراه دارد. یکی از این شاعرانی که به این امر اقدام نموده، سعدی شیرازی است. وی در آثار خود به مباحث بسیاری در زمینه تعلیم و تربیت پرداخته که یکی از آنها، واژه «دوست» است. سعدی در نوشته‌های منظوم و مثنوی خود، همواره بر داشتن دوستان واقعی تأکید فراوان داشته و مخاطبان را با کمک معیارهایی در انتخاب دوست واقعی رهنمون می‌سازد تا بتواند مسیر درست را به آنها نشان دهد. از نگاه وی، دوستان واقعی کسانی هستند که باید رفتار و کردارهایی را در حق همدیگر انجام دهند تا رابطه آنها از استحکام بیشتر برخوردار گردد. سعدی همچنین معتقد است که نبایدهایی در انتخاب دوستی وجود دارد که اگر به طور معمول و با دقت بیشتری به آن عمل شود، رابطه دوستی بسیار پابرجاتر خواهد بود که در این تحقیق به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

کلیدواژگان: سعدی شیرازی، ادبیات تعلیمی، دوستی، بایدها و نبایدها.

مقدمه

متون ادب فارسی ما سرشار از نکات اخلاقی و تعلیمی فراوانی است که با عنوان ادبیات تعلیمی از آنها یاد می‌شود. دوفوشه‌کور در این باره می‌گوید «اندرز و تعلیم، جزئی جداناپذیر از فرهنگ ایرانیان بوده است و در واقع «یکی از عوامل مهم در تازگی و اصالت فرهنگ ایرانی که اخلاق و نهایتاً نحوه زندگی در آن توجه ما را به خود جلب نموده است، پیوستگی آن به گذشته و واکنش نسبت به آن است» (دو فوشه‌کور، ۱۳۷۷: ۶). با نگاه گذرا به درونمایه اغلب منظومه‌های کهن فارسی مشخص می‌شود، که «گویندگان بزرگ ما، علاوه بر داشتن طبایع خلاق و برخوردار از قدرت سخنوری و هنر شاعری- هر یک خردمندی فرزانه و معلمی راه‌شناس و آگاه از رمز و رازهای زندگانی بوده و به سهم خود کوشیده‌اند، تا اسرار حیات متعالی و هدف‌دار انسان را در لطیف‌ترین تعبیرات تفسیر کنند و فراز و نشیب‌های راه زندگی را ضمن دستورالعمل‌های خردمندانه نشان دهند» (رزمجو، ۱۳۶۶: ۳۱۴).

پس می‌توان اذعان کرد، هر شاعر یا نویسنده، به فراخور نگرش خود، به بیان مسائلی در حوزه‌های مختلف اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد که این امر در ادبیات ما نمود قابل توجهی دارد، زیرا «ادبیات به عنوان یکی از شاخص‌ترین جنبه‌های هنری، بازتاب خواسته‌ها، علائق و آرمانهای انسانی و شیوه‌ای برای زندگی بهتر می‌باشد» (آقاجانی، ۱۳۹۲: ۱۴). مضامین و درون‌مایه‌های ادبیات ما در انتخاب نوع متن بسیار مهم است. از این رو باید گفت «درونمایه برخاسته از اخلاق گرایان مختلف شاخه‌ای از ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهد. این شاخه که اصطلاحاً ادبیات تعلیمی ایران نامیده می‌شود و مجموعه پندها و اندرزها و عصاره حکمت و خرد نیاکان ماست.» (مشرف، ۱۳۸۹: ۱۱).

باید توجه داشت که «درون مایه آثار ادب تعلیمی، مضامین اخلاقی، اجتماعی، دینی، حکمی، انتقادی، سیاسی، علمی و پند نامه است و به جهت تعلیم و تربیت آفریده می‌شوند. حتی متونی که به آموزش شاخه‌ای از علوم، فنون و مهارت‌ها می‌پردازند، از نوع ادبیات تعلیمی به شمار می‌روند» (انوشه، ۱۳۸۱: ذیل ادبیات تعلیمی). در ادامه می‌توان گفت «دستورالعمل‌های دینی و مضامین اخلاقی مربوط به مذهب نیز جزو اشعار تعلیمی قرار می‌گیرد که آنها را در اغلب آثار شاعران فارسی زبان، به ویژه در دواوین شاعران عارف مسلک، در همه ادوار شعر فارسی ملاحظه می‌کنیم.» (رزمجو، ۱۳۹۰: ۸۴).

یکی از شاعرانی که همواره به بیان نکات تعلیمی در آثار خود پرداخته، سعدی است. وی از جمله شاعرانی است که تمامی نکات تعلیمی را در آثار خود به کار برده و یکی از این مضمون‌ها، واژه «دوست» است که برای آن ارزش و اهمیتی بسیار قائل شده، از این رو مخاطب را به باید‌ها و نبایدهایی سوق می‌دهد تا بتواند در انتخاب دوست، دقت لازم را داشته باشند که در این تحقیق به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

پیشینه تحقیق.

درباره سعدی تحقیقات فراوانی صورت گرفته که به ذکر پاره‌ای از آنها اشاره خواهیم کرد:

- باقری خلیلی، علی اکبر؛ محرابی کالی، منیره. (۱۳۹۲). طرحواره چرخشی در غزلیات سعدی و حافظ شیرازی. مجله نقد ادبی، سال ششم، پاییز. شماره ۲۳.
 - نورایی، الیاس، یاور، مجتبی (۱۳۹۲). نسبت اخلاق و سیاست در اندیشه سعدی شیرازی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی سال پنجم تابستان. شماره ۱۸.
 - ضیایی، انور. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی توحید افعالی از دیدگاه قرآن و سعدی شیرازی، مجله مطالعات قرآنی، سال دهم، بهار، شماره ۳۷. صص ۳۳۷ - ۳۶۰.
 - نجارزاده هنجنی، مجید. (۱۴۰۱). همدلی های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن، مجله تمدن حقوقی، سال پنجم، بهار، شماره ۱۰. صص ۲۷ - ۴۸.
- با توجه به پیشینه‌ها می‌توان گفت که این تحقیق دارای نوآوری است.

بحث و بررسی.

۱. باید‌های دوستی

اولین موردی که در آثار و نگرش سعدی نسبت به دوست واقعی وجود دارد، معیارهایی است که شاعر نسبت به وجود آنها در ذات دوستان، تاکید فراوان دارد که به آنها اشاراتی خواهیم کرد. سعدی معتقد است که دوست واقعی باید آینه تمام نمای او گردد و عیوب وی را مستقیماً به او گوشزد نماید:

- «دوستدار حقیقی آن است که عیب تو را در روی تو بگوید تا دشخوارت آید و از آن برگردی و از قفای تو بپوشد تا بدنام نشوی» (سعدی، ۱۳۸۸: ۲۰).

وی همچنین معتقد است که دوستان واقعی نباید بدگوی همدیگر باشند:

- «بدگوی مردم بدوستی نگیرد که با وی همان ها معاملت کند که با دیگران کرد» (همان، ۳۷).

سعدی در ادامه، دوستان واقعی را افرادی فرمانبردار و دستگیر در مسائل و مشکلات معرفی می کند و اینان را در جایگاه پسندیده قرار می دهد:

- «نشان دوستی فرمان بردن است» (همان، ۴۹)

- «دوست آن دامنم که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی
دوست مشمار آنکه در نعمت زند لاف و دعوی برادر خواندگی

(همان، ۳۱)

- «هرگز آن را به دوستی میسند که رود جای، ناپسندیده» (همان، ۵۱)

- «دوستان سخت پیمان را از دشمن باک نیست شرط یار آن است کز پیوند یارش نگسلد»

(همان، ۱۳۲)

وی همچنین دوست واقعی را کسی می داند که دوستان خود را در بلا و گرفتاری فراموش نمی کند و در پشت سر دوستان خود نیز سخنان ناپسند بر زبان جاری نمی سازد:

«دوست نباشد به حقیقت که او دوست فراموش کند در بلا»

(همان، ۲)

- «هر که بد اندر قفای دیگری گفت، از صحبت او بپرهیز، که در پیش تو همچنین طیبیت کند

و از قفا غیبت» (همان، ۱۸)

سعدی معتقد است که باید با انسانهای نیک، دوست شد و همواره بر این امر سفارش می کند، وی معتقد است که همنشینی با انسانهای نیک سبب می شود تا صفات نیک خوب در دوستانشان اثر کند:

گلی خوشبوی در حمام روزی رسید از دست مخدومی به دستم
بدو گفتم که مشکي يا عبيري که از بوی دلاویز تو مستم
بگفتا من گلي ناچيز بودم وليکن مدتي با گل نشستم
کمال همنشين در من اثر کرد و گرنه من همان خاکم که هستم
(همان، ۴)

سعدی در جایی دیگر می‌گوید که باید با افرادی دوست شد که قدر نان و نمک را بدانند تا اگر به دلایلی مشکلي و قهري پيش آمد، به حرمت نان و نمک گذشته، پیوند دوستی را از سر گیرند:

«رفیقي داشتم که سالها با هم سفر کرده بودیم و نمک خورده و بیکران حقوق صحبت ثابت شده، آخر به سبب نفعي اندک، آزار خاطر من روا داشت و دوستی سپری شد و با این همه از دو طرف دلبستگی بود که شنیدم روزی دو بیت از سخنان من در مجمعی همی گفتند:

نگار من چو درآید بخنده ی نمکین نمک زیاده کند بر جراحت ریشان
چه بوی ار سر زلفش بدستم افتادی چو آستین کریمان بدست درویشان
طایفه درویشان بر لطف این سخن نه، که بر حسن سیرت خویش آفرین بردند و هم او در این جمله مبالغه کرده بود و بر فوت صحبت قدیم تاسف خورده و بخطای خویش اعتراف نموده، معلوم کردم که از طرف او هم رغبتی هست، این بیت‌ها فرستادم و صلح کردیم.

نه ما را عهد و وفا بود؟ جفا کردی و بد عهدی نمودی
بیک بار از جهان دل در تو بستم ندانستم که برگردی بزودی»
(همان، ۱۳۶)

سعدی در جایی دیگر معتقد است باید با افرادی دوست شد که قدر همصحبتی را بدانند تا اگر میان آنها جدایی افتاد، به واسطه صحبت گذشته، روزگار دوستی را از سر گیرند:

- «دو دوست قدر شناسند عهد صحبت را که مدتی ببریدند و باز پیوستند»
(همان، ۱۶۹)

- «ز حد گذشت جدایی میان ما ای دوست بیا بیا که غلام توام بیا ای دوست»
(همان، ۸۳)

- «با آن همه دشمنی که کردی باز آی که دوستی همانست»
(همان، ۶۵)

سعدی همچنین معتقد است که در دوستی باید حد تعادل را نگه داشت و نسبت به قدرتمند شدن دوستان توجه لازم را به کار بینند تا از عواقب احتمالی آن در امان باشند:

- «دوست را چندان قوت مده که دشمنی کند، تواند نشنیده‌ای که چه گفت آنکه از پرورده خویش جفا دید؟»

یا وفا خود نبود در عالم یا مگر کس در این زمانه نکرد
 کس نیاموخت علم تیر از من که مرا عاقبت نشانه نکرد»
 (همان، ۴۳)

یکی از نکات قابل توجه در نگرش سعدی و انتخاب باید‌ها در دوستی، برگزیدن دوست از میان شریک زندگی است، وی معتقد است که بهترین دوست انسان باید هم‌خوابه (زن و شوهر) او باشد و این دوستی را با ارزشترین و مطمئن‌ترین دوستی‌ها می‌داند، وی در جایی دیگر می‌گوید که باید ارتباط دوستی زن و شوهر به قدری عمیق گردد که بسان دو مغزی در یک پوست تصور گردد:

- «کرا خانه آباد و هم‌خوابه دوست خدا را به رحمت نظر سوی اوست»
 (همان، ۱۹۵).

- «زن و شوهر باهم چنان دوست‌اند که گویی دو مغز و یکی پوست‌اند»
 (همان، ۱۰۶)

از نگاه سعدی، عامل دیگری که در دوستی باید رعایت گردد، وفای به عهد در حق همدیگر است، او معتقد است که نباید وفای عهد در حق دوستان را نادیده گرفت و همواره باید به آن پایبند بود:

- «براستی که نخواهم بریدن از تو امید بدوستی که نخواهم شکست پیمان»
 (همان، ۱۱۳)

وی همچنین بیان می‌دارد که یاران حقیقی کسانی هستند که باید وفادار باشند و اگر کسانی چنین ویژگی را نداشته باشند، لایق دوستی نخواهند بود:

- «جان در سر کارتو کند سعدی و غم نیست کان یار نباشد که وفادار نباشد»
 (همان، ۱۴۷)



از دیگر مواردی که در باید‌های دوستی در کلام سعدی به چشم می‌خورد، تحمل رفتار دوستان است. وی معتقد است که تحمل رفتار دوستان سبب می‌گردد تا رابطه دوستی مستحکم‌تر گردد، از این تاکید دارد که باید در همه حال رفتار هم را تحمل نمایند تا میان آنها فاصله‌ای نیفتد:

- «دل بسختی بنهادم پس از آن دل بتو دادم هر که از دوست تحمل نکند، عهد نپاید»

(همان، ۲۰۹)

- «سعدیا بعد از تحمل چاره نیست هر ستم‌کنان دوست با ما می‌کند»

(همان، ۱۸۰)

وی همچنین می‌گوید که تحمل جنگ و جفای دوستان اگر صورت نگیرد، دوستی واقعی میان آنها وجود نداشته است:

- «جنگ از طرف دوست دل آزار نباشد یاری که تحمل نکند، یار نباشد»

(همان، ۱۴۷)

سعدی بهترین دوست را کسی می‌داند که عیب‌های یکدیگر را به هم می‌گویند، از این رو تفکر و نگرش سعدی بر این امر استوار است که باید عیب‌های همدیگر را به درستی بیان کنیم تا نسبت به رفع آنها اقدام شود:

- «از صحبت دوستی برنجم که اخلاق بدم حسن نماید

عیبم هنر و کمال بیند خوارم گل و یاسمن نماید»

(همان، ۱۲۱)

- «آیین برداری و شرط یاری آن نیست که عیب من هنر پنداری

آن است که گر خلاف شایسته روم از غایت دوستیم دشمن پنداری»

(همان، ۱۵۹)

وی همچنین نسبت به احترام و عدم آزار و اذیت دوستان تاکید فراوان دارد و معتقد است که باید تا آنجا که ممکن است دوستان را مورد رنجش قرار نداد:

- «و گر بر رفیقان نباشی شفیق بفرسنگ از تو بگریزد رفیق»

(همان، ۱۹)

باید توجه داشت که نگرش وی در شاهد مثال زیر بسیار جالب است، شاعر در نمونه زیر، کمال انسان را لطف و مهربانی در حق دوستان می‌داند و می‌گوید باید از دوستان غمخواری نمود و با دشمنان نیز مدارا کرد تا بتوان به کمال و شایستگی رسید:

- «دانی چه بود کمال انسان با دشمن و دوست لطف و احسان
 غمخواری دوستان خدا را دلداری دشمنان مدارا
 (همان، ۱۶۲).

سعدی در حکایتی دیگر از آثار خود، اهمیت همدردی با دوستان را بیان می‌کند و می‌گوید که انسان باید از ناراحتی و گرفتاری دوستانش شاد نشود و با آنان احساس همدردی نماید:

- «که مرد ارچه بر ساحل است ای رفیق نیاساید و دوستانش غریق
 یکی را بزندان درش دوستان کجا ماندش عیش در بوستان
 (همان، ۳۶)

۲. نبایدها در دوستی

علاوه بر موارد فوق، سعدی معتقد است که معیارهایی در انتخاب دوست وجود دارند که باید از آنها دوری جست، او می‌گوید، کسانی که به خاطر ثروت و طمع و منافع شخصی با کسی دیگر دوست می‌شوند دوستان واقعی نیستند و سعدی از آنها به «دغل دوستان» تعبیر می‌کند و آنها را به مگس، زنبور و سگان بازاری تشبیه می‌کند:

این دغل دوستان که می‌بینی مگسانند گرد شیرینی
 تا حطامی که هست می‌نوشند همچو زنبور بر تو می‌جوشند
 باز وقتی که ده خراب شود کیسه چون کاسه ی رباب شود
 ترک صحبت کنند و دلداری معرفت خود نبود پنداری
 بار دیگر که بخت باز آید کامرانی ز در فراز آید
 (همان، ۱۶۳)

در نگاه سعدی، پادشاهان، دشمن و کسانی که با دشمن رابطه دارند شایسته دوستی نیستند و باید از دوستی با آنها پرهیز کرد، وی دلایل خود را اینگونه بیان می‌کند تا مخاطب را از نبایدهای دوستی با این فراد آگاه سازد:

- «بدوستی پادشاهان اعتماد نتوان کرد و بر آواز خوش کودکان، که آن بخیالی مبدل شود و این بخوابی متغییر گردد» (همان، ۱۸۸)

- «هر که با دشمنان صلح می کند، سر آزار دوستان دارد.» (همان، ۱۸۹)

- «دشمنی ضعیف که در اطاعت آید و دوستی نماید، مقصور وی جز آن نیست که دشمنی قوی گردد و گفته اند بر دوستی دوستان اعتماد نیست، تا به تملق دشمنان چه رسد» (همان)

- «دشمن چو از هر حیلتی فرو ماند سلسله دوستی بجنباند، پس آنگه بدوستی کارهای کند که هیچ دشمن نتواند» (همان، ۱۹۲)

- «تو با آنکه من دوستم دشمنی نپندارم دوستدار منی» (همان، ۳۵)

- «کسی را که دانی که خصم تو اوست نه از عقل باشد گرفتن بدوست» (همان، ۱۱۷).

سعدی در جایی دیگر توصیه می کند که از دوستی با انسانهای سخن چین پرهیز کنیم و کسانی را که پیغام به دشمن می برند «از دشمن دشمن تر» می داند و می گوید:

کسانی که پیغام بدشمن برند	ز دشمن همانا که دشمن ترند
کسی قول دشمن نیارد بدوست	جز آنکس که دردشمنی یار اوست
نیارست دشمن جفا گفتنم	چنان کز شنیدن بلرزد تنم
تو دشمن تری کاوری بر دهان	که دشمن چنین گفت اندر نهان
از آن همنشین تاتوانی گریز	که مرفتنه خفته را گفت که خیز

(همان؛ ۱۹۲)

شیخ اجل در جایی دیگر می گوید که نباید همه اسرار خود را به دوستانان بگوئید زیرا دنیا همیشه به یک منوال باقی نمی ماند و ممکن است روزی بهترین دوست آدم، دشمن او گردد و رازهای مهم او را برملا سازد:

«هر آن سَرّی که داری با دوست در میان منه، چه دانی که وقتی دشمن گردد. رازی که نهان خواهی، با کس در میان منه و گرچه دوست مخلص باشد که مر آن دوست را نیز دوستان مخلص باشد، همچنین مسلسل .»

خامشی به که ضمیر دل خویش	با کسی گفتن و گفتن که مگوی
ای سلیم آب ز سرچشمه ببند	که چو پر شد، نتوان بستن جوی

سخنی در نهان نباید گفت که بر انجمن نشاید گفت
(همان، ۱۸۸)

وی همچنین در ادامه بر این امر تاکید دارد و زیاد گفتن اسرار پنهانی با دوستان را جایز نمی‌داند:

- «حالی که بخواهد اسرار در افواه نیفتد، با خواص هم نگوید هرچند که دوستان مخلص باشند، که مر دوستان را همچنین دوستان خالص باشند مسلسل هم بر این قیاس». (همان، ۱۳)

- «همه حالی با دوستان نگوید، که دوستی همه وقتی نماند» (همان، ۱۳)
 - «پدر که جان عزیزش به لب رسید چه گفت ؟ یکی نصیحت من گوش دار جان عزیز»

بدوست، گرچه عزیزست راز دل مگشای که دوست نیز بگوید بدوستان
عزیز»

(همان، ۱۴۲)

سعدی در جایی دیگر به نبایدهای انتخاب دوست اشاره می‌کند و از مخاطبان خود می‌خواهد تا از دوستی با انسان‌های بد و فرومایه پرهیز نمایند، زیرا معتقد است که اگر به طور مستقیم رفتار و کردارهای او در وی اثر نکند، راه و روش‌هایش بر او اثرگذار خواهد بود:

- «هرکه با بدان نشیند، اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند بطریقت ایشان متهم گردد و گر بخراباتی رود بنماز کردن، منسوب شود بخمر خوردن .

رقم برخود بنادانی کشیدی	که نادانرا بصحبت برگزیدی
طلب کردم ز دانایی یکی پند	مرا فرمود با نادان مپیوند
که گر دانای دهری خر بباشی	و گر نادانی، ابله‌تر بباشی»

(همان، ۲۰۸)

- «هرکه با بدان نشیند، نیکی نبیند:

گر نشیند فرشته‌ای با دیو	وحشت آموزد و خیانت و ریو
از بدان نیکوی نیاموزی	نکند گرگ پوستین دوزی»

(همان، ۱۹۶)

سعدی در جایی دیگر معتقد است که نباید میان دوستان واقعی بخل و خساست وجود داشته باشد زیرا این امر سبب خلل در رابطه دوستی می‌گردد:

- «مال خاصیتی دارد که دشمنان را دوست کند اما نگه داشتن مال مر دوستان را دشمن گرداند،

یعنی فرزند که از پدر خیر نبیند مردن ولی تمنا کند، تا مال ببرد». (همان، ۲۲)

- «بیا تا جان شیرینی در تو ریزم که بخل و دوستی با هم نباشد»

(همان، ۱۴۷)

- «نادان که بخل می‌کند و گنج می‌نهد مزدور دشمنست تو بر دوستان افشان

(همان، ۳۱)

وی در جایی دیگر، دوستان واقعی را افرادی معرفی می‌کند که همواره در سختیها در کنارشان هستند و تاکید فراوان دارد که دوستان با ارزش و همیشگی، نباید دوست خود را در مشکلات رها سازد و همیشه کمک حال آنان گردند:

- «دوست نباشد به حقیقت که او دوست فراموش کند در بلا»

(همان، ۲)

- «نه یاری سست پیمان است سعدی که در سختی کند یاری فراموش»

(همان، ۲۶۰)

- «پای در زنجیر پیش دوستان به که با بیگانگان در بوستان»

(همان، ۷۲)

- «جایی که درخت عیش پر بار بود در نظر و گهر در انبار بود

آنجا همه کس یار و وفادار بود یار آن یار است که در بلا یار بود»

(همان، ۱۵۶)

- «از من گمان مبر بیاید خلف دوست و ر متفق شوند جهانی بدشمنی»

(همان، ۴۵۹)

وی همچنین معتقد است که دوستان واقعی نباید از همدیگر بدگوئی کنند حتی اگر به برای مدتی طولانی نیز از او بی‌خبر بودند:

- «رفیقی که غایب شده‌ای نیکنام دو چیز است از او بر رفیقان حرام

یکی آنکه مالش بباطل خورند دوم آنکه نامش بزشتی برند (همان، ۱۶۸)

نتیجه :

آثار تعلیمی ما سرشار از نکات فراوانی است که مخاطب را به سوی زندگی بهتر ارشاد می‌کند. سعدی از جمله شاعرانی است که در آثار خود بهترین نکات تعلیمی را در قالب نظم و نثر و با زبانی شیوا بیان می‌کند. یکی از موضوعاتی که در نوشته‌های سعدی بسیار بر آن تاکید شده، دوستی است. سعدی ضمن برشمردن ویژگی‌های دوستان واقعی، بایدها و نبایدهایی را بیان می‌کند که انسانها را به سمت و سوی دوستی حقیقی سوق می‌دهد. از نظر وی بایدها در دوستی که شامل احترام به همدیگر، رعایت وفای به عهد و... است، مهمترین عنصر برای استحکام دوستی محسوب می‌شود. از طرفی دیگر، نبایدهایی وجود دارد که مخاطبان را به رعایت آنها الزام می‌کند تا پیوند دوستی، گسسته نشود. سعدی می‌گوید که در رابطه دوستان؛ نباید سبب رنجش و آزار همدیگر شد و یا بخل و خساست را در حق همدیگر نباید به کار بست. مورد دیگری که سعدی بر آن تاکید دارد، عدم ترک دوستان در مسائل و پیش‌آمدهای سخت است که همواره لازمه اصلی دوستی واقعی به شمار می‌آید. سعدی می‌گوید دوستان واقعی کسانی هستند که رازهای همدیگر را فاش نمی‌سازند و از طرف دیگر ضمن تاکید بر این امر، بیان می‌دارد که نباید تمامی رازها را به دوستان صمیمی گفت زیرا ممکن است روزی دشمن وی گردند. بنابراین می‌توان اذعان داشت که رعایت کردن بایدها و نبایدهایی که در حفظ دوستی وجود دارد، سبب حفظ دوستی و استحکام پایه‌های آن می‌گردد که سعدی با دقت و ریز بینی بالا، به آن توجه داشته است.

فهرست مایع و مآخذ :

- آقاجانی، مریم. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روان و منبع کنترل نوجوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه الزهرا.
- انوشه، حسن؛ (۱۳۸۱). دانشنامه ادب فارسی، جلد دوم: فرهنگنامه ادبی فارسی، چ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دوفوشه کور، هانری. (۱۳۷۷). در گلگشت ادب فارسی. ترجمه علی شریعت کاشانی. تهران: نشر نظر.
- رزمجو، حسین. (۱۳۶۶). شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- (۱۳۹۰). انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- مشرف، مریم، (۱۳۸۹) ، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، چاپ اول، تهران، سخن.
- مصلح بن عبدالله، سعدی. (۱۳۸۸). کلیات، از نسخه محمدعلی فروغی، نشر محمد.